**مفهوم "حیات" و هستی شناسی صلح در اسلام**

احمد کلاته ساداتی

استادیار جامعه شناسی دانشگاه یزد

asadati1392@gmail.com

به علت بحران های زیست محیطی، موضوع صلح با طبیعت، گفتمان جدیدی است که در طیف وسیعی از پارادایم ها مطرح شده است. سوال تحقیق این است که به لحاظ هستی شناختی، چه تفاوتی بین چارچوب پارادایمی اسلام و سایر پارادایم ها در موضوع صلح با طبیعت وجود دارد؟ از منظر این تحقیق، هستی شناسی صلح در اسلام مبتنی بر نگاهی متافیزیکی به طبیعت است که امور واقع طبیعی را منشاء اراده الهی می داند و از این منظر احترام به آن احترام به اراده الهی می باشد. زمانی که منشاء طبیعت اراده الهی تلقی می گردد، رابطه انسان با طبیعت معنای خاصی پیدا می کند که مبتنی بر سودمندانگاری نیست. وجه دیگر هستی شناسی مذکور، بر وجه اشتراک ماهیت خاکی انسان و طبیعت تاکید دارد،؛ لذا احترام به طبیعت احترام به ماهیت و هویت انسانی است. چنین نگاه هستی شناختی می تواند زمینه های معرفت شناختی و روش شناختی در تولید دانش در مورد رابطه مسالمت آمیز انسان با طبیعت را به وجود آورد.

واژگان کلیدی: طبیعت، اسلام، هستی شناسی، اراده الهی، انسان خاکی